

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۴۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۹ آبان ۱۳۸۹، ۱۰ نوامبر ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

به وجدانهای بیدار در دنیا جمهوری اسلامی میخواهد شهلا جاهد را اعدام کند. نگذاریم این زن جوان اعدام شود!



مینا احدی

بازجویی همراه با شکنجه بردند. شهلا چند سال قبل در تماسی تلفنی از زندان به من گفت: "چندین روز و چندین هفته زیر بازجویی بودم. هر کاری میتوانستند با من کردند. تا پای مرگ شکنجه ام کردند، تحقیق کردند، هفته ها آزارم دادند و بالاخره مجبورم کردند آنچه را که آنها دیکته میکنند، بگویم. حتی تهدیدم کردند که دختر کوچکی از اقوام مرا که همچون فرزند من بود، به آنجا آورده و به او آزار میرسانند... برای اینکه دست از سرم بردارند، هر آنچه آنها میخواستند را "اقرار" کردم. بعد از اینکه شکنجه ها تمام شد در دادگاههای بعدی اعتراض کردم و اتهام قتل را رد کردم اما کسی پرونده شهلا، عبدالصمد خرمشاهی، همواره گفته است این پرونده ده ایراد حقوقی دارد. از جمله در محل قتل سیگاری نیمه کشیده پیدا شده و شهلا اصلا سیگاری نیست. ضربه های چاقو توسط يك نفر چپ دست زده شده و شهلا با دست راست کار میکند، جسد را بعد از به قتل

صفحه ۵

شهلا جاهد ۸ سال است در بند ویژه زندان اوین در تهران با کابوس اعدام زندگی میکند و اکنون لاریجانی رییس قوه قضاییه حکم قصاص (اعدام) شهلا جاهد را به اجرای احکام در دادسرای جنایی تهران ارسال کرده است و هر آن ممکن است شهلا را بکشند. شهلا جاهد را بارها تا پای چوبه دار بردند

اما بدلیل توجه وسیع افکار عمومی در ایران و اعتراضات گسترده بین المللی، موفق به اعدام او نشدند. اکنون جمهوری اسلامی تصمیم به اعدام او گرفته است تا نشان دهد که اگر سکینه را بدلیل فشارهای بین المللی نمیتواند اعدام کند، هنوز قدرت اعدام زن دیگری را دارد. میخواهد شهلا را اعدام کند تا بگوید تسلیم فشارهای بین المللی نشده است. دنیا باید بلند شود و مانع اعدام شهلا شود. شهلا يك پرستار بود و عاشق فوتبالیست معروف ایرانی ناصر محمد خانی شد و این دو نفر زندگی مشترک مخفی را با هم در آپارتمانی در تهران شروع کردند. ناصر محمد خانی همزمان همسر لاله سحرخیزان بود و لاله در مهرماه سال ۸۱ در تهران به قتل میرسید، در حالیکه ناصر برای مسابقه فوتبال به آلمان رفته بود و شهلا در رابطه با این قتل دستگیر میشود. قبل از اینکه تحقیقاتی انجام بشود و چیزی اثبات شود در رسانه های حکومتی شهلا را به عنوان قاتل معرفی کردند و او را در زندان مخفی و مخوف اطلاعات زیر

یارانه ها و آماده باش نیروهای ضد شورش در شهرهای کردستان

کشور نیز نیروهای یگان ویژه و ضد شورش نیروی انتظامی را به حالت آماده باش در آورده است تا بقول خودشان با "فتنه"، و هر گونه اعتراضات گسترده مردمی مقابله و از آن جلوگیری کنند. در آستانه اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و افزایش گرانی ها،

صفحه ۲

در رابطه با طرحی که رژیم اسلامی آنرا "هدفمند کردن یارانه ها" نام نهاده است و برای جلوگیری از به خیابان آمدن مردم در اعتراض به عواقب فلاکتبار این طرح، علاوه بر آماده باش نیروهای ضد شورش در سراسر کشور، در شهرهای کردستان و مناطق غرب



عبدال گلپریان

میزگرد: خروج و افول اسلام سیاسی گفتگوی "پرسش" با منصور حکمت

صفحه ۳

غلامرضا غلامحسینی از اعضای سندیکای واحد هنوز در زندان است

شهر کرج گزارش کردیم. به ما گزارش شده بود که هر دو این کارگران که بعد از ضرب و شتم فراوان دستگیر و به زندان رجایی شهر منتقل شده بودند، آزاد شده

صفحه ۲

در اطلاعیه شماره ۵۰ از حمله روز چهارشنبه ۱۲ آبان مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی به دو تن از رهبران سندیکای شرکت واحد، سعید ترابیان و غلامرضا غلامحسینی در يك کافی نت در



وکیل و فرزند سکینه همچنان در سلول های انفرادی و ممنوع الملاقات هستند دستگاه قضائی اسلامی یک سیستم به تمام معنی جنایتکارانه است

که ما قاضی نیابتی هستیم و تصمیم درمورد این پرونده در تهران گرفته میشود. آنها میگویند بهمین دلیل هوتن و سجاد احتیاج به وکیل ندارند!

جاوید هوتن کیان بیماری

صفحه ۶

داشتن وکیل با پاسخ منفی مسئولین زندان روبرو شده است. تا کنون بویژه از سوی خانواده و دوستان هوتن کیان چند وکیل معرفی شده اند که مسئولین زندان و قضات این پرونده پاسخ داده اند

جاوید هوتن کیان و سجاد قادرزاده همچنان در زندان و در سلول انفرادی هستند. هر دو کاملا ممنوع الملاقات هستند و هر تلاشی از سوی خانواده های این دو نفر برای داشتن ملاقات و یا

در اعتراض به گرانی و طرح یارانه هاجوانان کرمانشاه دست به تجمع زدند و شعار مرگ بر رژیم دادند

صفحه ۲

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

یارانه ها و آماده باش نیروهای ...

از صفحه ۱

نیروهای انتظامی برای ایجاد فضای رعب و وحشت و جلوگیری از هرگونه اعتراض گسترده مردم در این مناطق، با صدور بخش نامه محرمانه ایی به حال آماده باش درآمده اند.

در چند روز گذشته علاوه بر سنندج، در مراکز استانهای کرمانشاه، ایلام و لرستان نیز نیروهای ضدشورش در مناطق و مراکز اصلی این شهرها اقدام به رژه نظامی کرده اند. این نیروها مجهز به باتوم برقی و گاز اشک آور و به صورت دسته های سی نفری در مراکز اصلی و پر رفت و آمد اقدام به قدرت نمایی کردند.

نیروهای امنیتی تلاش می کنند تا با استقرار در شهرهای کردستان فضای کاملاً امنیتی را در این مناطق حکمفرما کنند.

با توجه به فقر و افزایش قیمت مایحتاج مردم و بیکاری فزاینده، حکومت اسلامی در راستای اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و احتمال افزایش گرانی، نسبت به اعتراض گسترده مردم در این مناطق به وحشت افتاده و نیروهای ضدشورش خویش را برای مقابله با هرگونه اعتراض توده ای آماده کرده است.

رسانه های رژیم از زبان فرماندهان سپاه و ناجا و دیگر نیروهای سروبوگر حکومت اعلام کردند که احتمال شورش مردم وجود دارد. سران و فرماندهان نیروهای سروبوگر حکومت، آغاز مجدد شورش و اعتراضات گسترده مردمی را بخوبی حس کرده اند. می دانند که با اجرای این طرح قیمت کالاهای اساسی مردم چندین برابر افزایش پیدا می کند. اقتصاد در حال فروپاشی رژیم، موج وسیع بیکاری دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، دستمزدهای ماه ها پرداخت نشده را به حد اعلائی خود

رسانیده است و تنفر و انزجار عمومی مردم از رژیم سراپا نکبت اسلامی، آنان را برای تدارک تعرضی گسترده و توده ای علیه بانیان و طراحان فقر و فلاکت به یک جامعه ۷۲ میلیونی آماده می کند. خودشان این احتمال را داده اند که مردم به خیابانها می آیند. علاوه بر این که طرح هدفمند کردن یارانه ها طرحی برای به فقر و فلاکت کشانیدن هرچه بیشتر مردم و متعاقب آن سرکوبی اعتراضات مردم طرحی سراسری است اما تلاش میکنند تا در کردستان نیز فضا را تا می توانند نظامی تر کنند.

اکنون بر کسی پوشیده نیست که دیگر مردم قادر به تامین مایحتاج زندگی خود نیستند، پروسه اجرایی و عملی طرح هدفمند کردن یارانه ها، آمدن به خیابان و بروز اعتراضات گسترده توده ای را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. زندگی فلاکتبار اقتصادی مردم در ایران و بویژه مناطقی که فقر بشدت در آن بیداد می کند را نمی توان با زور اسلحه، یگان ضد شورش و ناجا پاسخ داد. اجرای حتی بخشی از این طرح خانه خراب کن برای مردم یعنی شروع جنگی مابین میلیونها مردم بستوه آمده از این وضع با نظام و سران و دست اندر کاران ریز و درشت یک حکومت دزد، جانی و چپاولگر.

به خیابان آمدن گسترده مردم تلاشی برای زنده ماندن و برای بقا است. طرح هدفمند کردن یارانه ها یعنی خط گرسنگی، یعنی به فلاکت کشانیدن میلیونها انسان در یک جامعه فقر زده و اسلام زده. جنگ برای زندگی را نمی توان با نیروی نظامی پاسخ داد.

۸ نوامبر ۲۰۱۰

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

از صفحه ۱

اند. اما متأسفانه آخرین گزارش دریافتی حاکی از اینست که غلامرضا غلامحسینی همچنان در زندان است و از وضعیت او هیچ خبری در دست نیست.

خبر حمله به این دو فعال کارگری و از اعضای سندیکای واحد، بصورت خبری کمپینی از سوی آی تی اف (اتحادیه بین المللی ترانسپورت) و وسیعاً منتشر شده است. در گزارش خبری آی تی اف بعد از گزارش موقوف آمده است: "آی تی اف بر این نظر است که بازداشت های اخیر یکی از آخرین کمپین های است برای شکستن سندیکا واحد و مسئولین با بوق و کرنا گذاشتن این جرایم، تهدیدها و خشونت که استفاده میشود تا جلوگیری کند از فعالیتهای قانونی سندیکای"

جمهوری اسلامی نقش تشکلهای کارگران در متحد کردن مبارزات کارگری را دیده است. دیده است که چگونه سندیکای شرکت واحد و سندیکای نیشکر هفت تپه بعنوان ظرف اتحاد کارگران عمل کرده اند. دیده است که چگونه کارگران واحد با قدرت تشکلهای اعتصابات باشکوه سال ۸۴ را خلق کردند. دیده است که چگونه کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۷ با اعتصاباتشان و مبارزاتشان نقش مهمی در اعتراضات کارگری و کل منطقه خوزستان داشتند. از اینروست که این تشکلها و هرگونه تلاشی از سوی کارگران برای متشکل شدن را هدف قرار داده است. از اینروست که رهبران این کارگران را مرتباً مورد پیگرد و دستگیری و تهدید قرار میدهد. به

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز جمعه ۱۴ آبان ماه جمعی از جوانان کرمانشاه در چهارراه رشیدی این شهر آکسیبونی موضعی در اعتراض به گرانی و طرح یارانه های رژیم به راه انداختند. در این تجمع که مدت کوتاهی بطول انجامید، جوانان شعار مرگ بر جمهوری اسلامی دادند و به محض آمدن نیروی انتظامی متفرق شدند. خبر در میان

مردم پیچید و مورد استقبال قرار گرفت.

کارد به استخوان مردم رسیده است و مردم خود را برای اعتراضات میلیونی و این بار توفنده تر و عمیق تر از سال قبل آماده میکنند. اقدام جوانان کرمانشاه در چنین شرایطی یک اقدام ارزشمند و مهم است. در همه شهرها و محلات میتوان دست به ابتکار مشابه زد. دست جوانان کرمانشاه را صمیمانه میفشاریم.

غلامرضا غلامحسینی ...

همین جرم است که اکنون منصور اسانلو و ابراهیم مددی و رضا شهابی و غلامرضا غلامحسینی در زندانند. و فعالین کارگری اینچنین دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. در ادامه همین سیاست است که اکنون رهبران کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه بعد از تهدیدات و فشارهای بسیار و بازداشت و زندانی شدن، اکنون از کار بیکار شده اند. باید در برابر این سیاستها ایستاد. دفاع از کارگران زندانی امروز یک رکن مهم دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و حقوق پایه ای ما کارگران است. ما همگان را فرامیخوانیم به پیوستن به کمپین برای آزادی کارگران زندانی فرامیخوانیم.

هم اکنون کمپینی جهانی برای آزادی کارگران زندانی در جریان است. ما نیز به سهم خود با اعلام کمپین برای آزادی کارگران زندانی در انعکاس سریع اخبار مربوط به کارگران زندانی و جلب حمایت وسیع جهانی تلاش میکنیم. به هر شکل که میتوانید با این کمپین همکاری کنید.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

هم اکنون کمپینی جهانی برای آزادی کارگران زندانی در جریان است. ما نیز به سهم خود با اعلام کمپین برای آزادی کارگران زندانی در انعکاس سریع اخبار مربوط به کارگران زندانی و جلب حمایت وسیع جهانی تلاش میکنیم. به هر شکل که میتوانید با این کمپین همکاری کنید.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.



در اعتراض به گرانی و طرح یارانه ها جوانان کرمانشاه دست به تجمع زدند و شعار مرگ بر رژیم دادند

مردم پیچید و مورد استقبال قرار گرفت.

کارد به استخوان مردم رسیده است و مردم خود را برای اعتراضات میلیونی و این بار توفنده تر و عمیق تر از سال قبل آماده میکنند. اقدام جوانان کرمانشاه در چنین شرایطی یک اقدام ارزشمند و مهم است. در همه شهرها و محلات میتوان دست به ابتکار مشابه زد. دست جوانان کرمانشاه را صمیمانه میفشاریم.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

میزگرد: عروج و افول اسلام سیاسی گفتگو با "پرسی"



غرب هستند.

پرسی: تا چه حد بقدرت رسیدن اسلامیت‌ها بیانگر عقب‌گردی مذهبی است؟ آیا این یک برگشت مذهبی در این جوامع است؟ رجعتی به ارزشها و باورهای دینی در زندگی فردی و اجتماعی؟

منصور حکمت: این بنظر من

ریشه در احیای اسلام به مثابه یک دستگاه اعتقادی ندارد. این اسلام فقهی نیست، بلکه اسلام سیاسی است. مبنای آن معادلات سیاسی معینی است. بدیهی است که با بالا گرفتن قدرت اسلام سیاسی فشار برای احیای ظواهر مذهبی در جامعه شدت می‌گیرد. اما این یک فشار سیاسی است. مردم به این فشار بعضاً تمکین میکنند. پشتوانه این "رئسانس" اسلامی خشونت و ترور است. در الجزایر به یک شکل و در ایران به شکل دیگر. در ایران واقعیت این است که برعکس، به تناسب عروج اسلام سیاسی و حاکمیت دینی، موج بازگشت ضد اسلامی در سطح معنوی و عقیدتی و در زندگی شخصی مردم به طرز خیره‌کننده‌ای بالاگرفته است. عروج اسلامی سیاسی در ایران مقدمه‌ای بر یک انقلاب فرهنگی ضد اسلامی و ضد دینی شده در اذهان مردم و بویژه نسل جوان شده است که با یک انفجار عظیم جهان را متوجه خود خواهد کرد و ششپور پایان عملی اسلام سیاسی در کل خاورمیانه را به صدا در خواهد آورد.

پرسی: ارونند آبراهامیان در

همین میزگرد می‌گوید سقوط جمهوری اسلامی میخ آخر به تابوت جنبش اسلامی نخواهد بود، چون گرایشات دیگر، بخصوص غیر شیعی‌ها، میتوانند این شکست را بپای خود ننویسند. آیا با این ارزیابی موافقت می‌کنید؟

منصور حکمت: بنظر من حرکت

اسلامی با سقوط رژیم اسلامی در ایران در خاورمیانه و در سطح بین‌المللی از نفس می‌افتد. بحث بر سر

بگذارند و این اسم را به پیشانی همه ما مردم، از ضد دین‌هایی مانند من و شما و دشتی و هدایت تا اکثریت عظیمی که نه خود را مومن میدانند و نه برای اسلام و آخوند تره خرد میکنند، بچسباند حتما هدف خاصی را دنبال میکند. ایران جامعه‌ای اسلامی نیست. حکومت، اسلامی است. اسلام یک پدیده تحمیلی در ایران است، نه فقط امروز بلکه دوران سلطنت هم، و به ضرب زدن و کشتن سر کار مانده است. ایران یک جامعه اسلامی نیست. بیست سال است می‌خواهند بزور اسلامی‌اش کنند نتوانسته‌اند. اسلامی نامیدن جامعه ایران، بخشی از یک جهاد ارتجاعی برای اسلامی کردن آن است.

پرسی: آیا اسلام سیاسی را یک

نیروی ماندگار در ساختار سیاسی کشورهای مسلمان نشین خاورمیانه و شمال آفریقا تلقی می‌کنید؟

منصور حکمت: ماندگاری یک

مقوله نسبی است. بالاخره زمانی خواهد رسید که این منطقه اسلام را به تمامی دفع کند و به یک پدیده عتیقه تبدیل کند که اگر چه هنوز برای تماشا و مطالعه وجود دارد و حتی پیروانی دارد، عملاً نقشی در زندگی مردم بازی نمی‌کند. اما اینکه این زمان کی فرا میرسد تماماً به روند‌های سیاسی در این جوامع و بطور مشخص به مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم گره خورده است. هنوز نسل‌های بیشتری ممکن است ناگزیر به تحمل این اسلام باشند و حتماً علماً و محققینی هم اسلام را ابدی خواهند پنداشت. اما هیچ چیز ابدی و ساختاری‌ای در اسلامیت خاورمیانه نیست. جنبش‌های انساندوست و آزادیخواه میتوانند پرونده اسلامیت را ببندند. در ایران مقطع خلاصی از اسلام میتواند بسیار سریع فرا برسد. بنظر من جمهوری اسلامی در جریان حذف شدن است و همراه آن اسلام سیاسی در ایران در هم کوبیده میشود. و اگر فشار سیاسی اسلام و اسلامیت حذف شود، آنوقت پوکی و

پرسی: تعبیر شما از مفاهیمی چون بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی چیست؟ تفاوت این دو عبارت چیست؟

اسلام سیاسی از نظر من عنوان عمومی آن جنبشی است که اسلام را ابزار اصلی یک بازسازی دست راستی طبقه حاکمه و یک نظام حکومتی علیه چپگرایی در این جوامع میدانند و به این اعتبار در رقابت بر سر سهم خود از قدرت جهانی سرمایه با بخش‌های دیگر و بخصوص با قطب‌های هژمونیک جهان سرمایه داری کشمکش دارد. این اسلام سیاسی لزوماً محتوای اسکولاستیک و فقهی داده شده و متعینی ندارد. اسلام سیاسی لزوماً بنیادگرا و دکترینر نیست. از انعطاف‌پذیری سیاسی و پراگماتیسم عقیدتی خمینی تا محافظ خشکه مقدس در جناح راست حکومت ایران، از نهضت آزادی و مهدی بازگان و امل و نبیه بری مکلا و کراواتی تا طالبان، از حماس و جهاد اسلامی تا یا "پروتستانسیسم اسلامی" امثال سروش و اشکوری در ایران، همه بخش‌های مختلف این اسلام سیاسی اند.

قدرتهای غربی، و مدیا و دنیای دانشگاهی‌شان، مقوله بنیادگرایی را پیش کشیده‌اند تا رگه‌های تروزیستی و ضد غربی این جریان اسلامی را از شاخه‌های پرو غرب و اهل سازش آن جدا کنند. ضد غربی‌ها را بنیادگرا مینامند و بنیادگرایی را میکوبند تا اسلام سیاسی بطور کلی را که از نظر آنها فعلاً یک رکن غیر قابل جایگزینی حاکمیت دست راستی و ضد سوسیالیست در منطقه است نگهدارند. اما جریان‌های ضد غربی لزوماً جناح خشکه مقدس و متعصبین فقهی در این جنبش نیستند. بنیادگراترین بخش‌های اردوی اسلامی، نظیر طالبان و عربستان سعودی، نزدیک‌ترین یاران

عبارت چیست؟

منصور حکمت: من عبارت

بنیادگرایی اسلامی را بکار نمی‌برم چون بنظر من تعبیر دست راستی هدفداری است که عامدانه تصویر همراه‌کننده‌ای از اسلام و جنبش‌های اسلامی معاصر بدست میدهد. آنچه واقعی است عروج اسلامی سیاسی است. اسلام سیاسی بنظر من یک جنبش ارتجاعی معاصر است و جز در فرم خویشاوندی‌ای با حرکت‌های اسلامی اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیستم ندارد. از نظر محتوای اجتماعی و امر سیاسی - اجتماعی و اقتصادی‌ای که دنبال میکند، این جنبش جدید کاملاً در جامعه معاصر ریشه دارد. تکرار همان پدیده قدیمی نیست. این حاصل شکست و یا بهتر بگویم عقیم و نیمه‌کاره ماندن پروژه مدرنیزاسیون غربی در کشورهای مسلمان نشین خاورمیانه از اواخر دهه شصت و اوائل هفتاد میلادی، و همراه آن افول جنبش سکولار - ناسیونالیستی‌ای بود که مجری اصلی این مدرنیزاسیون اداری و اقتصادی و فرهنگی بود. بحران حکومتی و ایدئولوژیکی در منطقه بالا گرفت. جنبش اسلامی در این خلاء ایدئولوژیکی سیاسی و سردرگمی بورژوازی بومی این کشورها بعنوان یکی از آلت‌رئانیوهای راست برای تجدید سازمان حاکمیت بورژوازی در مواجهه با چپ و طبقه کارگری که با عروج کاپیتالیسم رشد پیدا کرده بود به میدان آمد. با اینحال بدون تحولات سال ۷۹-۱۹۷۸ در ایران، این جریان‌ها بنظر من هنوز شانسی نداشتند و حاشیه‌ای میماندند. در ایران بود که این جنبش خود را در یک حکومت

میزگرد: عروج و افول اسلام سیاسی...

از صفحه ۳

بی‌عمقی آنچه سلطه فرهنگی اسلام بر جامعه‌ای مانند ایران قلمداد می‌شود سرعت عیان می‌شود. ایران در ظرف چند سال از پایگاه قدرت اسلام سیاسی به مرکز و رهبر مبارزه با آن تبدیل خواهد شد.

یکی از اشکال بقاء اسلام سیاسی در منطقه بنظر من تروریسم است. مبارزه علیه تروریسم اسلامی بنظر من تا چندین سال پس از پیروزی سیاسی بشریت بر اسلام در منطقه همچنان ادامه خواهد داشت. برچیدن گروه‌های ترور اسلامی به وقت بیشتری احتیاج خواهد داشت.

پوشش: شما قبلا در نوشته

هایی تجدید حیات جنبش اسلامی را تا حدود زیادی به مساله فلسطین و جدال اعراب و اسرائیل مرتبط کرده‌اید. شرکت کنندگان دیگر در این میزگرد در این تاکید ویژه شما بر جایگاه این کشمکش شریک نیستند.

منصور حکمت: بنظر من

استاتیکی به مساله نگاه نمیکنند. سوال فقط این نیست که جنبش اسلامی در پاسخ به چه معضلات و بر محور کدام تنشها عروج کرده است. هرچند حتی در همین محدوده هم جدال اعراب و اسرائیل و مساله فلسطین و وجود یک "دشمن" قومی-دینی-امپریالیستی که ناسیونالیسم و سکولاریسم عرب در مقابل آن زانو زده است یک رکن عروج حرکت اسلامی بعنوان یک آلترناتیو مدعی حاکمیت است. سوال مهم تر اینست که در غیاب مساله فلسطین، در غیاب پیدایش کشور اسرائیل در این سرزمین معین، روندهای ایدئولوژیکی، سیاسی و فرهنگی جهان بیستم کشورهای عرب نشین و مسلمان نشین خاورمیانه را به چه سمتی میبرد و تا چه حد این منطقه هم مانند آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی امکان انتگره شدن در یک نظم جهانی "غربی" را می‌داشت؟ تا چه حد کاپیتالیسم، تکنولوژی، صنعت و سرمایه غربی با تمام عملکرد یکسان ساز و شبیه ساز اداری و فرهنگی اش در این منطقه رشد می‌کند؟ تا چه حد اسلام مانند سایر ادیان در قرن بیستم به یک رگه

متن جنگ سرد، غرب تمایلی به آن نداشت. خاورمیانه و مردم آن در فرهنگ سیاسی غرب، شیطان‌ی تصویر شده‌اند. این‌ها از پرسوناژهای منفی اصلی در فرهنگ سیاسی غرب پس از پیدایش اسرائیل‌اند. خاورمیانه برای غرب مانند آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی نیست. یک منطقه ممنوعه است. بی ثبات است، مخاطره آمیز است، غیر قابل اتکاء است، خصمانه است. اسلام سیاسی در این حفره سیاه عروج کرده است. اگر مساله اسرائیل نبود، مشکلات مصر و ایران و عربستان و عراق، از قماش مشکلات برزیل و پرو و مکزیک بود. حتما اسلام سیاسی وجود میداشت، اما یک حرکت حاشیه‌ای و فرقه‌ای میماند و به بستر اصلی سیاست در این کشورها وارد نمیشد.

پوشش: شاید فرق اینجاست که

مذهب زدایی میتواند سرکوب باورهای معتقدان به این مذاهب معنی یا تلقی بشود. چطور میتوان مرز این موضع فعال ضد مذهبی را با نقض آزادی اندیشه و بیان ترسیم کرد؟

منصور حکمت: سکولاریسم را

باید همانطور تعریف کرد که رایج است. رادیکالیسم زیادی نمیشود به این مقوله الصاق کرد. سکولاریسم یعنی جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. جدا بودن مذهب از هویت شهروندی و تعریف حقوق و اختیارات و وظایف شهروندان. تبدیل مذهب به یک امر خصوصی. وقتی مذهب فرد در تعریف مشخصات اجتماعی و سیاسی او و در تلاقی فرد و دولت و فرد و بوروکراسی وارد تصویر نشود. به این اعتبار سکولاریسم یک مجموعه شرایط حداقل است. من، برای مثال، نمیتوانم تمام موضع خود در قبال جایگاه مذهب در جامعه را در این مقوله جای بدهم. من فقط خواهان سکولاریسم نیستم، بلکه خواهان مبارزه آگاهانه جامعه با مذهب هستم. خواهان آنم که همانطور که بخشی از منابع جامعه صرف مبارزه با مالاریا و وبا میشود، همانطور که علیه زن ستیزی، نژادپرستی، کودک‌آزاری آگاهانه سیاست‌گذاری میشود، نیرو و امکاناتی در جامعه صرف مذهب زدایی بشود. منظورم از مذهب،

اند و در قبال اعمال خود مسئولیت قبول نکرده‌اند. هیچکس حاجی روح الله خمینی را برای دادن فتوای قتل سلمان رشدی به دادگاه نبرد. تحریک به قتل در همه کشورهای جهان جرم است. و این تنها گوشه کوچکی از یک شبکه قتل و نقص عضو و ارباب و آدم دزدی و شکنجه و کودک‌آزاری است. بنظر من کارتل مواد مخدر مدی تین (اسکوبارها) و مثلت های چینی و مافیای ایتالیا (و آمریکا) انگشت کوچک ادیان سازمان یافته نمیشوند. صحبت من از مبارزه مشروع و سازمان یافته یک جامعه آزاد و باز علیه این نهادها و بنگاه‌هاست. در عین حال اعتقاد به هرچیز، حتی عقب مانده ترین و ضد انسانی ترین احکام، را حق انکار ناپذیر فرد میدانم.

پوشش: سکولاریسم، و مذهب

زدایی مورد نظر شما، چقدر در کشورهای دایره نفوذ اسلام در خاورمیانه زمینه دارد؟ چقدر سکولاریسم در این جوامع قابل پیدا شدن است؟ از روند ابراهامیان از امکان اسلامی ماندن و در همان حال سکولار بودن سخن می‌گوید. منشاء سکولاریسم در این جوامع کدام جنبشها هستند و چقدر شانس پیروزی دارند؟

منصور حکمت: بنظر من

خستگی نظری چپ و ضرباتی که آرمان خواهی و اندیشه نقاد و رادیکال از اواسط دهه هفتاد به اینسو متحمل شده است، بسیاری از نظریه پردازان چپ و خیرخواه را هم به نگرش مرحله‌ای - تاکتیکی و تدریجی گرای تاسف باری در قبال افق تحقق آرمانهای ابتدایی انسان دچار کرده است. صد سال قبل بشریت آوانگارد به اینک رهایی بشر بدست کشیشان و از راه تعدیل مذهب و عروج روایات و تعبیر جدید از درون کلیسا بدست آمد می‌خندید. امروز محققان و اندیشمندان حرفه‌ای میتوانند نسخه پیچند که زن ایرانی فعلا میتواند سکولاریسم را با اضافه شدن رنگ سرمه‌ای به رنگهای های مجاز دولتی برای حجاب معنی کند. این بنظر من ندین دینامیسم تغییر و انقلاب در جامعه است. جهان تاکنون از طریق زیر و رو شدن ها

میزگرد: عروج و افول اسلام سیاسی...

از صفحه 4

جلو رفته است. دگرگونی های خیره کننده و سریع در تفکر، در تکنیک، در مناسبات اجتماعی.

بنظر من آنچه برآستی تخیلی و غیر ممکن است، تعدیل اسلام و تبدیل تدریجی رژیم های اسلامی به حکومت های سکولار است. آنچه واقعی است، محتمل است، و در مورد ایران دیگر ناگزیر است، تحقق سکولاریسم از طریق خیزش ضد مذهبی مردم، علیه حکومت های موجود و تمام تعابیر و قرائت ها از اسلام است.

پرسش: کدام نیروهای اجتماعی یا جنبش ها میتوانند مبشر سکولاریسم در خاورمیانه باشند؟

منصور حکمت: قاعدتا این میبایست رسالت تاریخی جنبش های بورژوازی و کاپیتالیسم نوخاسته این کشورها در قرن بیستم باشد. لیبرالیسم، ناسیونالیسم، مدرنیسم و غریبگری.

برای دوره ای تصور میشود که این روند ولو آهسته، نیم بند و ناقص، در جریان است. اما این جنبشها تا اواسط دهه هفتاد دیگر از پا افتاده بودند و پروژه توسعه غربی به رکود کشیده شد و بحران حکومتی بالا گرفت. جنبش های استقلال طلبانه در خاورمیانه در اکثر موارد دولتهای پرو غرب ایجاد نکرد. سقوط خاندانهای سلطنتی منجر به پیدایش دولتهای نظامی شد که بخش عمده شان در جدال شرق و غرب در حیطه نفوذ شوروی قرار گرفتند. کاپیتالیسم و صنعت در کشورهای خاورمیانه مجموعا از طریق

دولتهای ناسیونالیست و مستبد اشاعه یافته است. یک جامعه مدنی بورژوازی پا نگرفت. لیبرالیسم و مدرنیسم بورژوازی جنبش های قابل اعتنایی در خاورمیانه نیستند. ناسیونالیسم مسلط، چه طرفدار شوری و چه غربی، مجموعا در یک ائتلاف سیاسی با اسلام بسر برده است.

بهرحال سکولاریسم بعنوان یک محصول فکری، سیاسی و اداری رشد کاپیتالیسم در خاورمیانه پدیدار نشد. بنظر من بورژوازی منطقه فاقد یک دستور کار سکولاریستی و یا حتی توان یک موضعگیری اینچنینی است. برقراری یک نظام سکولار دیگر کار جنبش های سوسیالیستی و کارگری است. و این بنظر من امری است که پیروزی چپ در منطقه، و لااقل بغیرت در ایران، را به یک احتمال واقعی و مادی تبدیل میکند. مردم یک نظام سکولار میخواهند، و در غیاب یک اردوی سکولاریست راست، مردم حول پرچم چپ کمونیست که آماده یک مبارزه اساسی با حاکمیت مذهب باشد گرد خواهند آمد.

پرسش: تا چه حد سکولاریسم را در این جوامع قابل پیاده شدن میدانید؟

منصور حکمت: در جهان امروز، با این ارتباط اطلاعاتی میان بخش های مختلف آن، بنظر من سرپا نگاه داشتن یک روینای اسلامی در منطقه ای به این وسعت، غیر ممکن

است. جلوی عروج سکولاریسم در خاورمیانه را نمیتوان گرفت. من فکر میکنم سکولاریسم نه فقط قابل تحقق است، بلکه پس از تجربه ایران و افغانستان و الجزایر، نیاز و خواست مردم منطقه است. مشکل هنوز اساسا مساله فلسطین است. این تضاد همانطور که جناح های مرتجع مذهبی در خود اسرائیل را تقویت میکند و قدرتی بسیار بیشتر از وزنه اندک شان در فرهنگ و عقاید مردم به آنها میدهد، در جبهه مقابل به طول عمر اسلامی و هویت اسلامی اضافه میکند. هرچه زودتر کشور مستقل فلسطین ایجاد شود، پنبه اسلام و اسلامیت در منطقه زودتر زده خواهد شد.

پرسش: نظرتان راجع به تز "جدال تمدنها" ی ساموئل هانتینگتون چیست؟ قاعدتا شما باید پیدایش یک امپراطوری شر تحت پرچم اسلام را منتفی بدانید.

منصور حکمت: مقاله و تز هانتینگتون از نظر علمی و مضمونی بینهایت بی ارزش و توخالی بود و فورا و به تفصیل از طرف بسیاری تحلیلگران پاسخ گرفت. تعابیر دلخواهی، وفق دادن واقعیات با تلقی های ذهنی نویسنده، تحریف فاکت های غیر قابل انکار و متدولوژی فوق العاده فقیر و عقب مانده در تحلیل، جایی برای جدی گرفتن این بحث نمیگذاشت. مطلب هانتینگتون در سال ۱۹۹۳ ارائه شد، بعد از سقوط شوروی و اعلام "پایان کمونیسم" و "پایان تاریخ" در مدیا و آکادمی غربی. برای دهها سال تمام اندیشه و

خودآگاهی سیاسی بورژوازی غرب حول وجود یک دشمن جهانی، یک قطب جهانی و قدرتمند متخاصم، ساخته و پرداخته شده بود. در سالهای آخر و در دوران ریگان، این تقابل حتی یک تبیین کاملا هالیوودی پیدا کرده بود. "امپراطوری شر"، "جنگ ستارگان" مقولاتی در این فرهنگ سیاسی بودند. بعد از حذف شوروی مساله "دشمن کیست" و موضوع بازتعریف وظایف ناتو و سازمان سیا، سیاست خارجی آمریکا و رشد مجدد انزواطلبی در شاخه های از جمهوری خواهان بالا گرفت. "جدال تمدنها" یک پاسخ جنجالی، در متن همان فرهنگ هالیوودی، به این سوالات بود.

من با این نکته گراهام فولر کاملا موافقم که اختلافات "تمدنی" قالبی برای بروز اختلافات اجتماعی فی الحال موجودی هستند. مقولات "تمدنی" در تبلیغات جنگی و بازاریابی سیاسی برای این منافع نقش دارند. اما در خود کشمکش جایگاهی ندارند. اسلامیت و تبیین های اسلامی و تعصبات اسلامی ابزارهای بسیج اجتماعی در کشمکش های مادی اجتماعی است که خود بر سر اسلام و تمدن اسلامی و تقابل آن با فرهنگ غربی نیست. جریان یوگسلاوی برسر اختلاف تمدن مسیحی غربی با مسیحیت ارتدوکس شرقی نیست (که معلوم نیست در این میان "تمدن" اسلامی در بوسنی و کوسووو چرا سرش را روی بالش "تمدن" غربی گذاشت!). یا دهسال تخریب عراق محصول جدال تمدن غربی و اسلامی نیست. دنیا طبقاتی است. صحنه مبارزه طبقاتی است. صحنه رقابت جناحها

و بخش های مختلف طبقه سرمایه بر سر قدرت سیاسی و منافع مادی و سود و حیطه نفوذ و قلمرو استثمار است. صحنه مبارزه برای آزادی و رفع تبعیضات. صحنه جدال چپ و راست است. صحنه نبرد تمدن ها نیست. و بالاخره، سخن گفتن از تمدن اسلامی، آنهم بعنوان چیزی که گویا در شرق آن خطی که آقای هانتینگتون روی نقشه کشیده حاکم است پوچ است. نه اسلام یک تمدن است، نه در آن کشورها حاکم است و نه در ظرفیت ایفای نقش امپراطوری شیطان است. تبلیغات روزمره در غرب، بخصوص وقتی کلینتون و بلر و ناتو دهان باز میکنند، این تصویر را میدهد که گویا صدام حسین در یک قدمی فتح جهان است و ما زندگی مان را مدیون ناتو هستیم که تا این لحظه جلوی این هیولا با چنگ و دندان مقاومت کرده است! تحریک افکار عمومی غرب علیه مردم خاورمیانه منافع مادی زیادی برای محافل مختلفی دارد، اما ربطی به سفیندیهای حقیقی در جهان امروز ندارد. بهرحال مطلب هانتینگتون عملا نفوذی پیدا نکرد، هرچند ممکن است به کاریر هانتینگتون و بودجه موسسه تحقیقات استراتژیک "الین" در دانشگاه هاروارد خیر زیادی رسانده باشد.

به نقل از

انترناسیونال هفتگی شماره ۶۹

۹ شهریور ۱۳۸۰

۳۱ اوت ۲۰۰۱

نخستین بار در پرسش شماره ۳

زمستان ۱۳۷۹ منتشر شده است

از صفحه ۱ به وجدانهای بیدار در دنیا...



رساندن، لباس تمیز پوشانده اند و این از عهده شهلا برنمی آید در رسیدگی ابتدائی به این پرونده، شاهد یک بررسی شفاف نبودیم و ایرادات شکلی و ماهوی زیادی از ابتدا در پرونده وجود داشت.

پزشکی از لاله نیز نشان داد که احتمالا قبل از اینکه لاله به قتل برسد به او تجاوز شده است. اما سیستم قضائی رژیم، تصمیمش را قبل از بازجویی و اثبات چیزی

بگذاریم او را اعدام کنند. نباید اجازه دهیم که بخاطر شکست رژیم در پرونده سکینه، شهلا را قربانی کند. با همان قدرتی که برای سکینه فعالیت کردیم و با همان گستردگی باید دست به کار شویم و جمهوری اسلامی را در این پرونده نیز عقب نشانیم.

هنر و شعر است. او در زندان شعر میگوید و بدلیل خصوصیات توانائی هایش مورد احترام زنان زندانی است. در سالهای قبل فعالیت گسترده ای علیه حکم اعدام شهلا در ایران و در سطح بین المللی انجام گرفته است. از جمله از زندگی او فیلمی تهیه شده بنام "کارت سرخ" که در رسانه های بین المللی نشان داده شده و در برخی فستیوال ها از جمله در هلند به نمایش درآمده است. شهلا جاهد قربانی یک رژیم جنایتکار و زن ستیز است. نباید

گرفته بود. قصد داشت شهلا را قاتل معرفی کند و از این اقرار استفاده کرد و شهلا را به اعدام محکوم کرد. دادگاه شهلا به یکی از جنجالی ترین دادگاهها تبدیل شد و همگان از زبان شهلا شنیدند که به زور شکنجه و تهدید از او اعتراف گرفته اند. شهلا جاهد در این دادگاه از رفتارهای وحشیانه در زندان و بی عدالتی موجود در دادگاه انتقاد کرد و گفت که قربانی میشود تا اصل پرونده قتل مورد بررسی قرار نگیرد. شهلا یک زن جوان، باهوش و علاقمند به

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی

علیه اعدام

۸ نوامبر ۲۰۱۰

اخباری از شهرهای کردستان

بازداشت دو تن از اعضای کمیته هماهنگی در نهد

صبح روز دوشنبه ۱۷ آبان صیدق خسروی از اهالی روستای قارنا و ابراهیم اسماعیلی ساکن نهد، ساعت ۷ صبح در منزل توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر شده و به مکان نامعلومی برده می شوند و تاکنون خانواده آنها هیچ گونه اطلاعی از وضعیت آنها ندارند.

تبرئه علی نجاتی از یک اتهام تکراری

علی نجاتی کارگر و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که بیشتر به تحمل ۶ ماه زندان محکوم شده و این مدت را نیز در حبس سپری کرده بود در روز یکشنبه ۱۶ آبانماه ۱۸۹۱ ابلاغیه ای رسمی از سوی دادگاه انقلاب «مبنی بر تبرئه از اتهامات وارده به وی را دریافت نموده است.

قابل ذکر است که در دادنامه ابلاغی که به جلسه دادگاه مورخ ۳۰/۶/۸۹ استناد کرده نیز اشاره شده که از آنجا که علی نجاتی بابت همین اتهامات یک بار دیگر و در پرونده ای جداگانه محکوم به تحمل حبس شش ماهه شده است لذا برای بار دوم ، وی از همان اتهامات و موارد تکراری تبرئه گردیده و قرار توقیف تعقیب علیه وی صادر شده است.

بدین ترتیب علی نجاتی که تنها به دلیل دفاع از حقوق و مطالبات کارگری خود و دیگر همکارانش بارها مورد تعقیب و آزار نیروهای امنیتی و قضایی و نیز تحمل شش ماه حبس در زندان دزفول شده بود در دادگاه فوق الذکر از اتهامات تکراری مطروحه علیه وی که عبارت بودند از "تبلیغ علیه نظام از طریق تماس با گروه های معاند و مخالف نظام و تبدیل خواسته های صنفی به جریان علیه نظام و مصاحبه با رادیوهای بیگانه" تبرئه گردیده است.

مرگ یک کارگر ساختمانی بر اثر گاز گرفتگی

یک کارگر ساختمانی به نام نوزاد حدود ۳۵ ساله ، اهل روستای

نیر (نیه ر) از توابع سنندج یکشنبه شب مورخ ۱۳۸۹/۸/۹ بر اثر گاز گرفتگی در محل زندگی در شهرستان پاوه جان باخت . بر اساس این گزارش ، نامبرده برای تامین معاش خانواده مجبور به ترك محل زندگی شده و به شهرستان پاوه رفته بود و در آنجا نیز به دلیل هزینه های بالا مجبور به زندگی کردن در مکانی بود که متاسفانه هیچگونه امکانات رفاهی نداشت . لازم به ذکر است که صدها نفر کارگر فصلی و ساختمانی دیگر نیز که از شهرستانهای اطراف برای کار کردن به شهر پاوه آمده اند در بدترین شرایط ممکن یعنی بدون هیچگونه امکانات رفاهی و نبود امنیت شغلی و جانی روزانه در این شهر مشغول کار کردن هستند.

اذیت و آزار

کارگران شهرداری شویشه

طبق گزارش ارسالی ، شهرداری شویشه به اذیت و آزار کارگران شهرداری پرداخته و به گفته یکی از کارگران با آنان مانند برده برخورد می نماید . شویشه شهری واقع در جاده سنندج به مریوان واقع شده است .

همچنین این کارگر عنوان نمود ، پس از اعتراض یکی از کارگران به نحوه پرداخت حقوق و نحوه برخورد مدیران ، حقوق و مزایای وی را ماهانه کسر کرده و از اول شهریور تا آبان ماه نصف حقوق و مزایای این کارگر معترض را نپرداخته اند و مدیر مربوطه عنوان نموده تا زمانی که این کارگر عذرخواهی ننماید پرداخت حقوق و مزایا به همین ترتیب خواهد بود .

اخبار فوق به نقل از سایت کمیته هماهنگی

احمد باب از فعالان اجتماعی

مریوان به ۱۴ سال حبس محکوم شد . احمد باب می گوید: " بنده بنا به حکم دادگاه انقلاب و طبق سه ماده قانونی ۵۰۰ ، ۵۰۱ و ۴۹۹ به اتهام عضویت در گروه های مخالف نظام و فعالیت تبلیغی و

جاسوسی برای بیگانگان در مجموع به ۱۴ سال زندان محکوم شده ام." و به مدت ۳۳ روز در سلول انفرادی زیر شدیدترین شکنجه ها قرار داشته است. او خاطر نشان ساخت که هیچ کدام از اتهامات وارده را نپذیرفته است و این چنین شرح شکنجه های او را توضیح داد: "در روزهای نخست بازداشت، سه تا از دندان هایم را با انبردست کشیدند و به گفته بازجوهایم ۲۲۰ ضربه شلاق به من زده بودند. شاید هم بیشتر بوده چون بیهوش بودم. در روزهای بعد کف پاهایم را با مته سوراخ کرده بودند." او از «اعدام فرضی» به عنوان بدترین شکنجه در دوران بازداشت خود یاد می کند و می گوید: "من را به اتاقی بردند که به گفته بازجویان مخصوص اعدام بود. مجبورم کردند روی یک صندلی چرخدار زیر طناب دار بایستم. سپس دستبند زدند و پاهایم را بستند. در این حالت می خواستند از من اعتراف بگیرند. این وضعیت در حالی که به سختی می توانستم روی پاهایم بایستم یک ساعت طول کشید." احمد باب پنجم شهریورماه سال ۸۸ در مریوان دستگیر و پس از ۱۹۵ روز با قرار وثیقه هفتصد میلیونی آزاد شده بود.

بازداشت دو نفر به اتهام همکاری با احزاب مخالف در کردستان

محمد مجید زاده و بهروز تناسبی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند. مجید زاده که اهل سقز می باشد حدود یک هفته پیش بازداشت و تناسبی که اهل سنندج است حدود سه ماه پیش دستگیر و روانه بازداشتگاه شده اند. آنها به همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون متهم گردیده اند.

خالد پوراحمد نیز که به اتهام همکاری با احزاب مخالف چندی پیش توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت شده بود اخیرا با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد.

تمدید قرار بازداشت موقت بهزاد کردستانی

بهزاد کردستانی شاعر و ادیب

کرد به مدت پانزده روز دیگر تمدید گردید. قرار بازداشت بهزاد کردستانی شاعر و نویسنده در حالی برای پانزده روز دیگر تمدید گردید، که نزدیکان او وضعیت جسمانی اش را بسیار نگران کننده خوانده و تداوم این شرایط را با توجه به بیماری های ایشان بسیار خطرناک توصیف نموده اند. بهزاد کردستانی که در تاریخ سوم شهریور ماه از سوی ماموران امنیتی در شهرستان مریوان بازداشت و پس آن جهت انجام بازجویی ها به اداره اطلاعات سنندج منتقل گردید از آن تاریخ تاکنون در سلول انفرادی به سر می برد. بهزاد در دو ماه و نیم گذشته چندین بار دست به اعتصاب غذا زده است و به دلیل اعمال شکنجه های جسمی و روحی و همچنین ابتلا به

بیماری های گوارشی و کمر درد مزمن ناشی از این فشارها، دچار کاهش وزن شدید شده و در وضعیت جسمانی وخیمی به سر می برد. این سومین بار است که قرار بازداشت بهزاد از سوی اداره اطلاعات سنندج تمدید می گردد. از سوی دیگر مختار هوشمند نقاش اهل مریوان که اخیرا به اتهام جاسوسی، تبلیغ علیه نظام و همکاری با گروه های مخالف نظام به ۱۶ سال زندان محکوم شده بود روز شنبه هشتم آبانماه از زندان مریوان به اداره اطلاعات سنندج منتقل گردید. تاکنون هیچ اطلاعی از وضعیت مختار و دلایل انتقال مجدد وی به این نهاد امنیتی حاصل نشده است.

وکیل و فرزند سکینه همچنان در سلول ...

از صفحه ۱



داغ نگهداشت.

وضعیت هوتن و سجاد در عین حال بخوبی ماهیت سیستم جنایتکارانه اسلامی را به جهانیان نشان میدهد.

کمیته های بین المللی علیه سنسکسار و اعدام این رفتار حکومت اسلامی را شدیداً محکوم میکنند و از همگان میخواهد به این رفتار غیر انسانی اعتراض کنند.

سکینه، سجاد و هوتن و همینطور دو خبرنگار آلمانی که در این رابطه دستگیر شده اند، باید فوراً از زندان آزاد شوند و هر نوع حکمی علیه آنها ملغی شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته بین المللی علیه

سنسکسار

۱۰ نوامبر ۲۰۱۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!